

## واکاوی تأثیر ساماندهی و اسکان عشایر با تأکید بر بعد امنیتی

(مطالعه موردی: کله کوه در ساوه)

وحید ریاحی،<sup>۱</sup> فریوش نامداری،<sup>۲</sup> اصغر پاشازاده،<sup>۳</sup> عسگر جسارتی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۹/۲۵

از صفحه ۹۹ تا ۱۲۸

بزهشنامه جغرافیای انظامی

سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲

### چکیده

به طور کلی ساماندهی و اسکان عشایر با هدف توسعه و عمران جامعه‌ی عشایری، محرومیت‌زدایی و خدمات رسانی بهتر به این جامعه و همچنین ایجاد امنیت انجام می‌گیرد. در ایران نیز این راهبرد در طی سال‌های گذشته در مناطق عشایری اجرا شده و از همین رو ارزیابی آثار و پیامدهای آن به‌خصوص از نظر امنیتی از اهمیت بسیاری برخوردار است. بر همین اساس در این مقاله امکان توسعه و بهبود زندگی عشایر در ایران در دو حالت کوچ و اسکان در قالب یک چارچوب مفهومی منسجم مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اصلی این تحقیق ارزیابی اثرات حاصل از اجرای طرح ساماندهی اسکان عشایر کله کوهی در شهرستان ساوه است. داده‌های مورد نیاز با روش میدانی و از طریق ابزار پرسشنامه (محقق ساخته) و مصاحبه عمیق باسرپرست خانوار و همچنین روش کتابخانه‌ای/اسنادی جمع‌آوری شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق را ۸۹ خانوار تشکیل می‌دهد که برای همگی آنها به روش تمام شماری توسط محقق پرسشنامه تکمیل شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که طرح ساماندهی و اسکان عشایر کله کوهی در ساوه تا حدودی امنیت شغلی و اقتصادی در پی تحولات شغلی، ناامنی و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی در پی تغییرات فرهنگی، امنیت بهداشتی و غذایی در پی دسترسی به امکانات، رضایت از کیفیت زندگی، افزایش امنیت جانی و مالی و همچنین بهبود استفاده از مواد غذایی و باعث تغییر در الگوی کالاهای مصرفی بادوام شده است.

### کلید واژه‌ها:

ارزیابی آثار، طرح اسکان عشایر، امنیت، ایل کله کوهی، ساوه.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی تهران

۲- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی تهران farivashn@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی تهران

۴- دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، اردبیل، ایران

## مقدمه

تفکر و سیاست اسکان عشایر در ایران از زمان حکومت رضا خان در سال ۱۳۱۰ شروع شد که البته این اقدام حدود ده سال بیشتر دوام نیاورد. دلیل عمده او برای اجرای سیاست اسکان، بیشتر بحث قدرت حکومتی بود زیرا در آن زمان عشایر بخش مهمی از نیروهای رزمی و نظامی کشور را شکل می‌دادند و با ورود تجهیزات نظامی مدرن به ایران، نقش نیروهای نظامی عشایر کم رنگ شده بود اما بیم حکومت از قدرت بالقوه عشایر باقی بود که برای رهایی از این نگرانی راه و چاره را در اسکان این قشر می‌یابد که در ادبیات آن «تخته قاپو» نام گرفته است. بنابراین تخته قاپو یک اقدام سیاسی در راستای ایجاد امنیت بوده است نه یک اقدام اقتصادی برنامه ریزی شده و این تصمیم دولتی با توسل به زور به عشایر تحمیل شد (کیاوند، ۱۳۸۰: ۱۵۷). شروع اسکان عشایر توسط حکومت مرکزی به صورت جبری و بیشتر با حرکات نظامی توأم بوده که به سال ۱۳۰۵ بر می‌گردد. اما به مرور زمان با مضمین برنامه های اقتصادی و عمرانی در آمیخت و جنبه های ظاهری اجباری بودن را از دست داد (غفاری، ۱۳۶۸: ۲۲۳). واژه‌های تخته قاپو و اسکان از آغاز دوره پهلوی تاکنون بیش از هر واژه‌ی دیگری در ادبیات اداری مربوط به عشایر به کار رفته است. محتوای مفهوم اسکان بعنوان تغییر و تحولی مهم در شیوه و رفتار اجتماعی و اقتصادی جماعت هایی از مردم شکافته نشده و تحلیل نگردیده است. مقاماتی که از تخته قاپو سخن می‌گفتند تصور می‌کردند که مرد عشایری باید از کوچ دست بکشد و بیایستند، چادر را رها و چار دیواری بنا کند، از دامداری دست بکشد و به زراعت و رعیتی روی آورد (کیاوند، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

در مرحله‌ی اول اسکان (۲۰ - ۱۳۰۵) ابتدا اداره‌ای بنام اداره‌ی اسکان ایلات زیر نظر وزارت داخله تشکیل شد. این اداره به کمک نیروهای انتظامی و نظامی، چگونگی خلع سلاح و اسکان اجباری عشایر را بر عهده داشت (غفاری، ۱۳۶۸: ۲۲۳). مرحله‌ی دوم اسکان از سال ۱۳۲۷ با تشکیل مجدد اداره اسکان ایلات بار دیگر مساله‌ی اسکان عشایر مطرح شد. اما این بار به رغم دوره‌ی پیشین با حرکت نظامی همراه نبود، بلکه بخشی از امور مربوط به برقراری نظم و کنترل عشایر به خوانین و کدخدایان واگذار شد (غفاری، ۱۳۶۸: ۲۲۸). با اصلاحات ارضی (۱۳۴۱) در ساختارهای اقتصادی و

اجتماعی اسکان عشایر تحولاتی فزاینده ایجاد شد. اصلاحات ارضی از یکسو تقسیم‌بندی جدید زمین و سازماندهی نوین تولید و توزیع زراعی و از سوی دیگر دگرگونی در نوع ابزار و ادوات کار و فنون تولید را در پی داشت. این عوامل از یکسو گسترش مناسبات کالایی در مناطق عشایری و از سوی دیگر ایجاد و گسترش بازار نیروی کار و تغییر در ترکیب جمعیت کوچنده و اسکان یافته شده و گرایش هر چه بیشتر کوچنده‌ها را به یکجانشینی افزایش می‌دهد. اسکان یافته‌ها نخست در روستاهای نو بنیاد سکونت می‌کنند یا اینکه خود بانی روستاهای نوینی می‌شوند اما به مرور زمان شهرنشینی در بین عشایر آغاز می‌شود. یعنی به مرور زمان و به موازات دگرگونی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی عشایر، پدیده‌ی اسکان روندی فزاینده می‌یابد (غفاری، ۱۳۶۸: ۲۲۳-۲۳۰). جامعه‌ی عشایری بخشی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند که مهم‌ترین مشخصه و وجه تمایز آنان با جوامع روستایی کوچندگی آنهاست و زندگی بر اساس دامداری شکل گرفته است (صلاحی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۷۰). در گذشته، به طور معمول دو جامعه‌ی روستایی و عشایری را جامعه‌ی واحدی می‌پنداشتند، و برنامه‌ریزی برای آنها را به صورتی مشابه طراحی می‌کردند؛ زیرا ملاک‌های صحیحی برای شناخت این دو جامعه نداشتند، ولی چنانچه ما اقتصاد غالب زیستی این دو جامعه را مورد مطالعه قرار دهیم، مشاهده می‌گردد که کاملاً از هم متمایزند (کشاورز، ۱۳۵۵: ۶۲). مهم‌ترین وجوه تفکیک و تمایز این دو جامعه را می‌توان به صورت زیر مورد بررسی قرار داد.

جدول (۱): تفاوت‌های عمده‌ی جامعه‌ی روستایی و جامعه‌ی عشایری

شماره	ملاک غالب جامعه	جامعه روستایی	جامعه عشایری
۱	نیاز پایه‌ای	آب و زمین	مرتع و دام
۲	فعالیت غالب	کشاورزی	دامداری سنتی
۳	فعالیت جنبی	دامداری	کشاورزی
۴	مازاد تولید	عموماً زراعی	عموماً دامی
۵	تنوع کشت	زیاد	کم
۶	بهره‌گیری از زمین	در یک منطقه	در دو منطقه
۷	تحرك گروهی	اسکان	کوچ
۸	تجربه و تخصص	در امور زراعی	در امور دامی
۹	بازده در هکتار	زیاد	کم
۱۰	نظام آبیاری	پیچیده	فاقد نظام

شماره	ملاک غالب جامعه	جامعه روستایی	جامعه عشایری
۱۱	منزلت اجتماعی	در رابطه با آب و زمین	در رابطه با دام
۱۲	روابط اجتماعی	پیچیده	ساده
۱۳	تبعیت از طبیعت	زیاد	کم

منبع: صفی‌نژاد، ۱۳۶۸: ۳۳

راهبرد اسکان، طرح‌هایی را می‌طلبد با ریزه‌کاری‌های اجرایی ظریف، طراحی‌های دقیق و تدابیر اجتماعی مبتنی بر آگاهی و شناخت علمی، آنگاه خواهیم دید که این مهم، به شرط برخورداری از حمایت و اداره سیاسی، انجام شدنی است (کیاوند، ۱۳۸۶: ۱۸۲). اسکان نقطه مقابل کوچ نشینی و به معنی گزینش زندگی یکجانشینی و تأثیر بر تغییر شرایط معیشتی خانوار کوچنده است. در شناخت پدیده اسکان دو نکته اهمیت دارد، اینکه معادله‌ی کوچ را چه چیزی بر هم می‌زند و دیگر آنکه، خصوصیات معادلات جدیدی که در شرایط اسکان بر حسب سکونت خانوار در روستاها قلمرو یا خارج از قلمرو ایل و یا سکونت در شهرها و روستاها ایجاد می‌شود چیست؟ شکی نیست که اسکان مستلزم نوعی انطباق فرهنگی نیز هست. همان‌طوری که از مفهوم عبارت نیمه کوچندگی نیز مشخص می‌شود، قرار داشتن وضعیت الگوی زیست و معیشت در شرایط نیمه کوچندگی، بیانگر آن است که خانوار عشایری اقدامات اولیه برای بیرون نهادن حداقل یک پای از زندگی و معیشت کوچندگی را به کرسی نشاند و با استقرار ثابت تعدادی از اعضای خانوار خود در ساختمان، حداقل ۵۰ درصد از راه رسیدن به اسکان و یکجانشینی را پیموده است ولی هنوز اساس اقتصاد و معیشت خانوار بر نظام بهره‌برداری دامداری و سنتی بر کوچ استوار می‌باشد. یکجانشین شدن ایلات و عشایر به دلیل تغییر شیوه‌ی معیشت، ضعف و زوال گله داری سنتی و اشتغال به فعالیت‌های زراعی و امور دیگر است که به تدریج از کوچ‌نشینی به نیمه کوچ‌نشینی و سرانجام به یکجانشینی منجر شده است. عشایر یکجانشین به زراعت توأم با دامداری اشتغال دارند (نیک خلق و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۰-۶۴). از زمانی که چندان دور که چادرنشینی صورت مسلط اسکان در منطقه را از دست داده است، خانه به عنوان واحد و هسته‌ی اولیه‌ی تشکیل دهنده‌ی مجموعه‌های زیستی و روستایی، در شکل‌گیری و انسجام جوامع روستانشین و در سطحی پایین‌تر در بهبود و تکامل غالب فعالیت‌های معیشتی و تولیدی خانوارهای ساکن در آن، نقش مهمی ایفا نموده است (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۳۱).

چنانچه پیش از این گفته شد، اسکان عشایر کوچنده به تبع معنای لغوی آن از چادر به چاردیواری رفتن و در مکان ثابتی ماندگار شدن، و به تبع تصور تلویحی آن از اقتصاد شبانی به اقتصاد روستایی گذر کردن را اسکان می‌گویند. چنین برداشت و پنداری از دیدگاه اندیشه و آرمان رشد، و توسعه و تحول ناقص و دور از واقع بینی است. اسکان عشایر کوچنده از دیدگاه رشد، توسعه و تحول عبارت است از تغییر رفتار اقتصادی و اجتماعی آنان به منظور بهبود کیفیت زندگی و بالا بردن سطح زندگی خویش و گام گذراندن در مسیر تحول و پیشرفت دائمی (کیاوند، ۱۳۸۶: ۱۷۵-۱۷۴). مختصات جوامع انسانی، به‌ویژه خصوصیات اجتماعی- اقتصادی آن پیوسته در حال دگرگونی است. سمت دادن، سرعت بخشیدن و یا تأخیر انداختن روند این دگرگونی و نیز خلق تحول تازه، زمینه‌ساز دستیابی به شرایط زیستی مطلوب و بهره‌مندی از نعمت‌های مادی است. اینگونه است که هر قشر یا گروه اجتماعی می‌کوشد دگرگونی و تحول مورد اشاره را با نیازهای خویش هماهنگ سازد و یا شرایطی را بیافریند که بر پایه‌ی آن از نعمت مادی به گونه‌ای که دلخواه باشد بهره برداری کند.

در عین حال باید توجه داشت که این امر، مستلزم شناخت روابط علت و معلولی حاکم بر تحولات است و کوچ و اسکان دو وجه جدایی ناپذیر در حیات عشایر است. به همین دلیل هنگامی که کوچ و مسائل مربوط به آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد، بخشی از مسائل اسکان به خودی خود مشخص می‌شود. از آنجا که بررسی اسکان به مثابه مبحثی جداگانه، بخشی از ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی زندگی عشایر را روشن می‌کند، بررسی اسکان و مسائل مربوط به آن لازم و ضروری است.

بررسی تجارب اسکان جوامع کوچنده در جهان و ایران گویای آن است که پیامدهای نامطلوب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و به تبع آن پیامدهای فضایی اسکان عشایر به ویژه در پروژهای دولتی درخور توجه می‌باشد. بررسی افشار نادری در سال ۱۳۸۷ در ایل بهمئی نشانگر آن است که وضع تغذیه عشایر کوچ رو نسبت به عشایر اسکان یافته بهتر است، همچنین مرگ و میر اطفال در میان عشایر اسکان یافته بیش از اقوام کوچ‌رو است (افشار، ۱۳۸۷). توکلی و ضیا توانا در سال ۱۳۸۶ در بررسی که در چهار محال بختیاری انجام دادند به بررسی تبعات فضایی اسکان عشایر در شهرک‌های شرمگ،

چلگرد و لستر می‌پردازند. نتایج پژوهش گویای آن است که اسکان در اتراق‌گاه‌های فصلی خطر حوادث طبیعی را افزایش می‌دهد و بسیاری از انتظارات منطقی سکنه برآورده نشده است (توکلی و توانا، ۱۳۸۶). بر اساس نتایج بررسی صیدایی در سال ۱۳۸۶ در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی مسائل اساسی کانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی (نمونه موردی: بکان، گل افشان و قراب) مهم‌ترین مسائل کانون‌های اسکان عشایر عبارتند از: ضرورت حمایت از بنیان‌های تولید، اطمینان از داشتن درآمد مناسب، حمایت جدی برای برخورداری از خدمات آموزشی، بهداشتی، ترویجی و... می‌باشد (صیدایی، ۱۳۸۹). باژیان و همکاران در سال ۱۳۸۵ در مقاله‌ای تحت عنوان مقایسه اقتصادی کوچ و اسکان عشایر در دشت بکان در استان فارس به بررسی، فایده و هزینه سیستم تولید دام عشایر بکان با در نظر گرفتن تغییرات اکولوژیکی بر آن در دو حالت اسکان یا بدون پروژه اسکان می‌پردازد که نتایج تحقیق حاکی از آن است که پروژه‌های اسکان عشایر با توجه به عوامل تعدیل‌کننده‌ی اکولوژیکی می‌تواند بعنوان یک گزینه پایدار در نظر گرفته شود (باژیان و همکاران، ۱۳۸۵). در تحقیق دیگری که توسط مهدوی و همکاران در سال ۱۳۸۸ تحت عنوان سنجش نگرش عشایر اسکان یافته نسبت نشان دادند که اسکان عشایر چندان موفقیت‌آمیز نبوده و وضعیت عشایر با تغییر شغل بدتر شده است البته مقایسه وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارهای اسکان‌یافته در کانون‌های خودجوش نشان می‌دهد که وضعیت کانون‌های هدایتی چه در زمینه‌ی اقتصادی و چه اجتماعی از کانون‌های خودجوش بهتر است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۸).

نتایج تحقیقات مذکور حاکی از آن است که برنامه‌های اسکان عشایر زیاد موفقیت‌آمیز نبوده و خود عشایر از آن رضایت چندانی نداشته‌اند. با این وجود در مقایسه بین زندگی کوچ‌نشینی و زندگی در حالت اسکان، از زندگی در حالت اسکان راضی‌تر بودند. همچنین می‌توان گفت که در خصوص آثار اسکان عشایر از نظر امنیتی تحقیقی صورت نگرفته است از همین رو تحقیق حاضر می‌کوشد تا آثار تمامی ابعاد به‌خصوص اثرات امنیتی اسکان را نیز بررسی و تحلیل نماید. با توجه به روندهای رو به رشد اقتصادی و اجتماعی و ورود کشور به دوره‌ی مدرنیته از یک طرف و ضرورت توجه به تحولات جهانی شدن، ادغام تمامی عناصر جامعه در واحد ملی همراه با الزامات خاص

آن، ضرورتی ناگزیر می‌باشد. چرا که لازمه‌ی یک جامعه مدرن، فرد مدرن است و از طرفی، اگر درصد آن هستیم که در تمامی ابعاد پیشرفت داشته باشیم، باید معیارهای جهانی مدرن را نیز بپذیریم و در جهت آن حرکت کنیم (بررسی مسائل و مشکلات جامعه عشایری). از آنجا که عشایر در حال کوچ با مشکلات بسیاری مواجه هستند لزوم اسکان برای آنها احساس می‌شود. بنابراین هدف این تحقیق بررسی اثرات متأثر از اسکان عشایر کله کوهی ساوه بوده و در جستجوی این سؤال است که طرح اسکان عشایر کله کوهی ساوه چه اثراتی به دنبال داشته است؟

### روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی استفاده شده است. در بخش مطالعات میدانی از ابزارهای پرسشنامه، مصاحبه عمیق و مشاهده مستقیم بهره گرفته شده است. جامعه آماری را ایل کله کوه شهرستان ساوه که شامل ۸۹ خانوار می‌باشند، تشکیل می‌دهد که همه‌ی سرپرستان خانوار آن‌ها (یا از هر خانواده یک نفر) به صورت تمام شماری مورد بررسی قرار گرفته و مابقی اطلاعات که شامل نقشه و آمار دقیق دام و خانوار می‌باشد با مراجعه به سازمان‌های ایلات و عشایر (شهرستان ساوه و تهران) و اینترنت به دست آمده است. برای ارزیابی پرسشنامه محقق ساخته، آن را بین اساتید و کارشناسان امر توزیع نموده و با توجه به نمراتی که به هر یک از سؤالات داده شده بود براساس درجه ارجحیت مؤلفه‌ها یا سؤالات منتخب از پرسشنامه اولیه استخراج شد که نشان از روایی بالای پرسشنامه می‌باشد. برای تعیین پایایی پرسشنامه (پرسشنامه محقق ساخته و دارای دروغ‌سنج) نیز از آزمون آلفای کورنباخ استفاده شد که مقدار همبستگی آلفای پرسشنامه برابر با ۰.۸۶٪ بوده که نشان از پایایی و سطح اطمینان بسیار بالای پرسشنامه می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های گوناگونی (آزمون‌های کای اسکوتر، کرامرز v، ویلکاکسون، پیرسون، اسپیرمن، فریدمن، t تک نمونه‌ای، t مستقل، f یا واریانس و تحلیل مسیر) در نرم‌افزار spss استفاده شده است.

### محدوده‌ی مورد مطالعه

محل اسکان عشایر کله‌کوهی در موقعیت ریاضی  $24^{\circ}$  و  $35^{\circ}$  تا  $28^{\circ}$  و  $35^{\circ}$  عرض شمالی  $9^{\circ}$  و  $50^{\circ}$  تا  $15^{\circ}$  و  $50^{\circ}$  طول شرقی می‌باشد. موقعیت نسبی آن در فاصله ۴۸ کیلومتری شهر ساوه (جنوب شرقی) قرار گرفته است (صلاحی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۹۵). در حال حاضر جمعیت محل اسکان عشایر یاد شده برابر با ۸۹ خانوار بوده و قلمرو بیلاقی عشایر کله‌کوه به وسعت  $4283/5$  هکتار، محدود به مراتع خشک‌رود، اوزون بایر، کاروانسرای شاه عباسی و یعقوب حصار می‌باشد.



نقشه (۱): موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

### یافته‌های تحقیق

میانگین سنی پاسخگویان به پرسشنامه ۴۶/۸۷ سال با انحراف معیار ۲۰/۶۶ و حداقل و حداکثر سن به ترتیب ۱۹ و ۹۰ سال بوده است. از لحاظ جنسیت ۸۷/۷ درصد (معادل ۷۰ نفر از ۸۰ نفر پاسخگو) را مردان و ۱۲/۵ درصد (معادل ۱۰ نفر) را زنان تشکیل داده‌اند. بعد خانوار آنان نیز برابر با ۵/۸ با انحراف معیار ۲/۴۷ که ۳ تا ۱۲ نفر را مشمول شده است. از نظر سطح تحصیلات اکثراً بی‌سواد و در سطح ابتدایی سواد داشته



اند که بالاترین سطح سواد در بین جامعه نمونه تحقیق مدرک دیپلم بوده و در کل میانگین سواد شان ۴/۶۵ سال بوده است.

جدول (۲): وضعیت اشتغال جامعه نمونه تحقیق در دو دوره قبل و بعد از اسکان

شغل	دامدار	دامدار و زارع	آزاد	بیکار	جمع
قبل از اسکان	۵۴	۲۰	۶	-	۸۰
درصد	٪۶۷/۵	٪۲۵	٪۷/۵	-	٪۱۰۰
بعد از اسکان	۱۸	۴۸	۴	۱۰	۸۰
درصد	٪۲۲/۵	٪۶۰	٪۵	٪۱۲/۵	٪۱۰۰

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۳۹۱

همانگونه که از جدول شماره ۲ بر می‌آید، شغل عشایر نمونه‌ی تحقیق بر اثر طرح اسکان دچار تغییر و تحول شده است به عبارتی تعداد شاغلین دامدار که رکن اصلی زندگی کوچ نشینی می‌باشد، کاهش یافته و در مقابل در دوره‌ی بعد از اسکان به تعداد زارعین افزوده شده است. یعنی اشتغال از دامداری به مختلط (زراعت و باغداری و دامداری) تغییر شکل داده‌است. همچنین درصدی از جامعه‌ی نمونه به دلیل نداشتن آشنایی با شغل‌های غیر از دامداری، بیکار شده و یا شغل آزاد اختیار نموده‌اند.

جدول (۳): وضعیت دام در دو دوره قبل و بعد از اسکان به صورت جدول توافقی

مؤلفه	دام بعد از اسکان				
	شرح	زیر ۱۰۰	بین ۱۰۰ تا ۲۰۰	۲۰۰ - ۳۰۰	۳۰۰ بیشتر
دام قبل از اسکان	شرح	زیر ۱۰۰	بین ۱۰۰ تا ۲۰۰	۲۰۰ - ۳۰۰	۳۰۰ بیشتر
زیر ۱۰۰	فراوانی	۵۰	۰	۰	۰
رأس دام	درصد	٪۶۲/۵	٪۰	٪۰	٪۰
۲۰۰-۱۰۰	فراوانی	۶	۶	۰	۰
	درصد	٪۷/۵	٪۷/۵	٪۰	٪۰
۳۰۰-۲۰۰	فراوانی	۶	۶	۰	۰
	درصد	٪۷/۵	٪۷/۵	٪۰	٪۰
بیشتر از ۳۰۰	فراوانی	۰	۰	۴	۲
	درصد	٪۰	٪۰	٪۵	٪۲/۵
جمع	فراوانی	۶۲	۱۲	۴	۲
	درصد	٪۷۷/۵	٪۱۵	٪۵	٪۲/۵

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۳۹۱

جدول شماره ۳ بیانگر این امر است که در جامعه‌ی نمونه‌ی تحقیق ۶۲/۵ از عشایر دوره‌ی قبل از اسکان تعداد دام زیر ۱۰۰ رأس داشته‌اند که در دوره بعد از اسکان تعداد آن‌ها به ۷۷/۵ درصد افزایش یافته‌است. همچنین در طبقه ۲۰۰ تا ۳۰۰ رأس دام تعداد افراد از ۱۵ درصد به ۵ درصد کاهش و در طبقه بیشتر از ۳۰۰ رأس دام این روند کاهشی ادامه داشته است، یعنی با طرح اسکان از درصد دام در طبقات با دام زیاد کاسته شده و به طبقات دام با رأس کم افزوده شده است. این امر از وضعیت اشتغال در دو دوره‌ی قبل و بعد از اسکان نیز تبعیت می‌کند (با توجه به جدول شماره ۲). این رابطه را آزمون کای اسکور با مقدار آماره ۱۱۲/۲۵۸ و sig برابر با ۰.۰۰۰ در سطح ۹۹٪ معناداری تأیید می‌کنند.

همچنین با توجه به برداشت‌های میدانی در طرح اسکان، به هیچ‌کدام از جامعه‌ی نمونه‌ی تحقیق، آموزشی در خصوص اسکان داده نشده و حتی زمینی بابت اسکان به آنان واگذار نشده است. جامعه‌ی نمونه عنوان نمود که ابتدای زندگی یکجانشینی (اسکان) از آگاهی اندکی نسبت به این نوع زندگی و مسائل آن برخوردار بودند، ولی روز به روز به میزان آگاهی‌شان افزوده شده است به گونه‌ای که طی برداشت میدانی مشخص گردید که اسکان عشایر موجب افزایش آگاهی از قوانین و اطلاعات عمومی، سطح تفکر و آینده‌نگری آنها شده است.

جدول (۴): انگیزه از اسکان

شرح	ایجاد مالکیت	بهبود کار	ایجاد امنیت	ارتباط با خویشاوندان یکجا نشین	دسترسی به امکانات	جمع
فراوانی	۱۰	۱۲	۱۸	۸	۳۲	۸۰
درصد	۱۲/۵٪	۱۵٪	۲۲/۵٪	۱۰٪	۴۰٪	۱۰۰٪

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۳۹۱

جدول فوق بیانگر این مطلب است که دسترسی به امکانات و ایجاد امنیت از عمده‌ترین انگیزه‌های اسکان در نزد جامعه‌ی نمونه تحقیق بوده، به عبارتی دیگر انگیزه‌ی اسکان کاهش مشکلات زندگی کوچ‌نشینی بوده است.

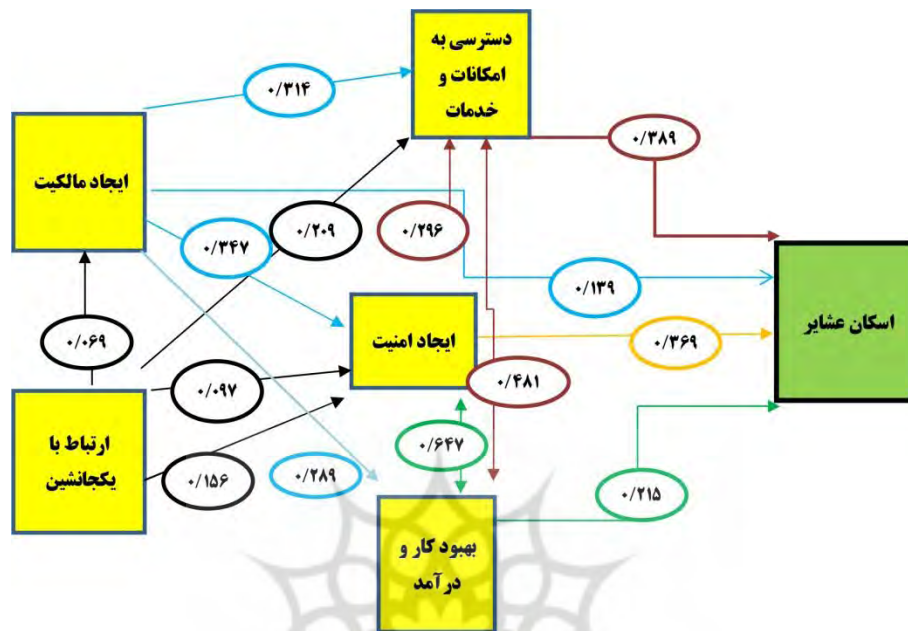
به این منظور، برای بررسی اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل مورد مطالعه بر متغیر وابسته‌ی علل اسکان از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. جهت تعیین ظرایب مسیر مدل، بین هر یک از متغیرهای مستقل و متغیر وابسته بر مبنای نتایج رگرسیون چندگانه، تک تک متغیرهای مستقل را به عنوان متغیر وابسته در هر مرحله در نظر گرفته و پس از انجام یکسری فرایندها، ضریب مسیر که بیانگر مجموع تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم (ارزش Beta) متغیرهای مستقل بر متغیر علل اسکان می‌باشد، به دست آمده است. نتایج تحلیل مسیر در جدول پنج آورده شده است.

جدول (۵): اثرات مستقیم و غیر مستقیم عوامل مؤثر بر اسکان عشایر

ردیف	نام متغیرها	نوع تأثیر بر متغیر وابسته		میزان کل تأثیر (ارزش Beta)
		مستقیم	غیر مستقیم	
۱	ایجاد مالکیت	۰/۱۳۹	۰/۲۷۵	۰/۴۱۴
۲	ایجاد امنیت	۰/۳۶۹	۰/۲۵۴	۰/۶۲۳
۳	بهبود کار و درآمد	۰/۲۱۵	۰/۳۸۱	۰/۵۹۶
۴	دسترسی به امکانات و خدمات	۰/۳۸۹	۰/۲۵۳	۰/۶۴۲
۵	ارتباط با یکجانشینان	۰	۰/۱۴۶	۰/۱۴۶

مآخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه‌ی تحقیق، ۱۳۹۱

در جدول پنج مشاهده می‌شود که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر اسکان، مربوط به دسترسی به امکانات و خدمات (۰/۶۴۲) است و ایجاد امنیت دومین عامل تأثیرگذار در اسکان عشایر (۰/۶۲۳) بوده است که این عوامل به نوبه خود متأثر از دیگر عوامل مذکور این مدل می‌باشد (شکل ۲). همچنین مقدار ضریب تعیین ( $R^2$ ) برابر با ۰/۷۴۶ است. یعنی ۷۴/۴ درصد از مجموع تغییرات متغیر وابسته توسط مدل تحلیل مسیر تبیین شده و می‌توان گفت که در مدل علی به دست آمده ۲۶/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته تبیین نشده است.



شکل ۲: تحلیل مسیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مؤثر بر اسکان عشایران

همچنین یافته‌های میدانی حاکی از آن است که پیشنهاد اولیه برای اسکان، بیشتر از طرف خود عشایر و بزرگان طایفه مطرح شده که می‌تواند ناشی از مشکلات زندگی کوچ‌نشینی باشد. به عبارت دیگر مشکلاتی از قبیل کمبود امکانات موجبات پیشنهاد از طرف خود عشایران را فراهم آورده است. مشکلات کوچ و عدم رضایت از برخی از موارد باعث اسکان شده و البته مردم از برخی مؤلفه‌ها به عنوان مشکلات بعد از اسکان نیز یاد کرده‌اند. تضاد فرهنگی، ناتوانی در بازپرداخت وام، نداشتن زمین و مراتع مناسب و یا دوری از مرتع، نداشتن فعالیت مناسب یا سرمایه برای فعالیت و آسیب‌پذیری فعالیت‌ها از شرایط جوی، از مهم‌ترین مشکلات عشایران محدوده‌ی مورد مطالعه بوده است.

برابر یافته‌ها عمده‌ترین مشکل عشایر اسکان یافته مساله‌ی اقتصادی می‌باشد. اما برابر تحلیل آماری مستخرج شده از پرسشنامه سطح اقتصادی عشایر اسکان یافته نسبت به قبل (در حالت کوچ‌نشینی)، بهبود یافته است. برای مشخص شدن میزان اثر

گذاری اسکان در بعد اقتصادی جامعه‌ی نمونه‌ی تحقیق، از آزمون ویلکاکسون استفاده شده است (جدول ۶).

جدول (۶): سنجش وضعیت اقتصادی جامعه نمونه تحقیق در دو دوره قبل و بعد از اسکان با استفاده از آزمون ویلکاکسون

نتیجه فرضیات فرعی	sig	مقدار آماره Z	رتبه‌های			مؤلفه‌های اقتصادی	r
			برابر	مثبت	منفی		
معناداری در سطح ۹۵٪	۰/۰۱۶	-۵/۲۶۲	۲۴	۴۰	۱۶	وضعیت درآمد	۱
معناداری در سطح ۹۵٪	۰/۰۰۹	-۲/۷۰۱	۳۹	۲۸	۱۳	رضایت از شغل	۲
معناداری در سطح ۹۵٪	۰/۰۰۰	-۷/۷۲۰	۶	۶۷	۷	وضعیت تنوع شغلی	۳
معناداری در سطح ۹۵٪	۰/۰۰۲	-۳/۹۵۴	۲۹	۴۶	۵	امنیت شغلی و ثبات آن	۴
عدم معناداری	۰/۰۶۸	-۱/۴۹۷	۴۱	۱۸	۲۱	وضعیت پس انداز و دارایی	۵
معناداری در سطح ۹۵٪	۰/۰۰۰	-۶/۶۰۹	۱۲	۶۲	۶	وضعیت سرمایه‌گذاری	۶
معناداری در سطح ۹۵٪	۰/۰۰۰	-۴/۵۲۱	۳۴	۸	۳۸	وضعیت هزینه‌ی زندگی	۷
معناداری در سطح ۹۵٪	۰/۰۳۸	-۲/۰۷۰	۳۴	۲۷	۱۹	وضعیت قدرت خرید	۸
معناداری در سطح ۹۵٪	۰/۰۰۴	-۳/۰۸۶	۲۲	۴۶	۱۲	الگوی مصرف مواد غذایی	۹
معناداری در سطح ۹۵٪	۰/۰۰۰	-۴/۱۷۹	۷	۷۲	۱	الگوی مصرف کالای بادوام	۱۰
معناداری در سطح ۹۹٪	۰/۰۰۰	-۶/۸۹۱	۸	۶۶	۶	مجموع مؤلفه‌های اقتصادی	

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۳۹۱

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که هر ۱۰ مؤلفه‌ی اقتصادی بر اثر طرح اسکان عشایر تحولاتی را در خود دیده‌اند. به عبارتی دیگر طرح اسکان عشایر در محدوده‌ی مورد مطالعه‌ی تحقیق با توجه به نتایج مؤلفه‌های مذکور، زمینه را برای افزایش نسبی درآمد، ایجاد تنوع شغلی، افزایش هزینه زندگی و افزایش سرمایه‌گذاری، کاهش پس انداز، افزایش نسبی قدرت خرید، ایجاد امنیت شغلی و ثبات آن و تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی و کالای بادوام فراهم ساخته‌است و می‌توان گفت که با توجه به مقدار sig برابر با ۰/۰۰۰ (سطح خطا کمتر از ۰/۰۱) مجموع مؤلفه‌های ۱۰ گانه در سطح ۹۹٪ معنادار شدند.

وضعیت امنیت شغلی عشایر اسکان یافته بیانگر این امر است که امنیت شغلی اسکان یافته‌ها بعد از اسکان تغییری مثبت داشته‌است زیرا رتبه‌های مثبت در مؤلفه‌های میزان رضایت از شغل و میزان امیدواری به آینده و ثبات شغلی به ترتیب ۲۸ و ۴۶ بوده است یعنی در این تعداد از ۸۰ نفر اسکان یافته، تغییرات مثبت و افزایشی رخ داده‌است و امنیت شغل آنها بالاتر رفته که این را آزمون ویلکاکسون در سطح معناداری ۹۹٪ تأیید می‌کند.

در واقع مؤلفه‌های اقتصادی در دو وضعیت قبل و بعد از اسکان تفاوت معناداری را نشان می‌دهد. بر این اساس عشایر اسکان یافته با توجه به وابستگی شغلی و درآمدی جدیدی که به کشاورزی مختلط پیدا نمودند رضایت نسبی نسبت به دوره‌ی کوچ نشینی از خود نشان دادند. از طرف دیگر شاخص‌های ذهنی دیگر همچون امیدواری به آینده شغلی، تمایل به ماندگاری، ایجاد اشتغال در محل اسکان جدید و تنوع شغلی با توجه به اینکه سطح معناداری قبل و بعد از اسکان، کوچکتر از ۰/۰۱ است. می‌توان متفاوت بودن مؤلفه‌های مذکور را در دو وضعیت قبل و بعد از اسکان تأیید و بر وجود تفاوت معنادار این مؤلفه‌ها در دو وضعیت صحه گذاشت.

یکی از مهم‌ترین عواملی که سطح زندگی خانوارها را نشان می‌دهد، استفاده از کالاهای مصرفی بادوام است. قدر مسلم الگوی استفاده از کالاهای مصرفی بادوام و تغییرات آن می‌تواند تابع مهاجرت باشد. با چنین فرضیه‌ای به نظر می‌رسد که اسکان عشایر باعث ایجاد تأثیرات قابل قبولی در خرید کالاهای بادوام شود. بنابراین به منظور

تبیین و آزمون این ادعا، بررسی انواع کالاهای مصرفی بادوام که مبین سطح خانوارها است، مورد بررسی قرار گرفت. برای مقایسه‌ی وضعیت الگوی مصرف کالاهای بادوام در دو دوره‌ی قبل و بعد از اسکان از آزمون مک‌نمار استفاده گردید و نتایج حاصله حاکی از آن است که تغییر و تحولاتی اساسی ایجاد شده، به این شکل که در دوره‌ی قبل از اسکان یعنی در دوره‌ی کوچ نشینی؛ رادیو، تلفن همراه و وسیله‌ی نقلیه (عموماً وسیله‌ی نقلیه‌ی باری) استفاده متعارفی داشته‌اند که در دوره‌ی بعد از طرح اسکان کالاهای دیگری همچون تلویزیون، اجاق گاز، جارو برقی، یخچال، رایانه، ماهواره و وسایل خنک کننده (اکثراً پنکه) مورد استفاده قرار گرفته‌است. که در این خصوص تلویزیون و ماهواره جای رادیو را گرفته و از تعداد وسایل نقلیه باری به دلیل عدم حمل دام و اثاثیه کاسته و به تعداد سواری‌ها افزوده شده است. این تغییرات را آزمون مک‌نمار در سطح ۹۹ درصد معنادار نشان می‌دهد. از نظر تغییرات، کمترین تغییر مربوط به تلفن همراه و در مقابل بیشترین تغییر مربوط به کالای ماهواره بوده است. در کل می‌توان گفت که از نظر عشایر اسکان یافته، یکجانشینی آنها موجب افزایش استفاده‌ی آنها از کالای مصرفی بادوام شده است.

جدول (۷): نمونه‌ای از آزمون مک‌نمار مربوط به وضعیت مالکیت وسیله نقلیه در دو دوره قبل و بعد از اسکان

الگوی مصرف بعد از اسکان		الگوی مصرف قبل از اسکان
ندارم	دارم	
۳	۹	داشتم
۵۷	۱۱	نداشتم

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۳۹۱

جدول ۷ نشان می‌دهد که در دوره‌ی قبل از اسکان تعداد ۱۲ نفر از ۸۰ جامعه‌ی نمونه‌ی تحقیق دارای وسیله نقلیه بودند. در دوره بعد از اسکان تعداد افراد به ۲۰ رسیده‌است، که نشان از تغییر و افزایش مالکیت وسیله‌ی نقلیه در پی اسکان می‌باشد. این نتیجه را آزمون مک‌نمار با توجه به مقدار sig برابر با ۰/۰۲۹ در سطح ۹۵ درصد معنادار نشان داده‌است. به‌طور کلی می‌توان گفت که با اسکان عشایر و یکجانشینی آنها، شاهد افزایش استفاده از کالاهای مصرفی بادوام بوده‌ایم. در ضمن نباید از این

نکته غافل شد که در دوره‌ی کوچ نشینی با توجه به مشکلات حمل و نقل، مشکلات انرژی، و ... امکان استفاده از وسایل بادوام بیشتر میسر نبود.

جدول (۸): سنجش الگوی مصرف مواد غذایی جامعه‌ی نمونه‌ی تحقیق در دو دوره قبل و بعد از اسکان با استفاده از آزمون علامت

نتیجه فرضیات فرعی	sig	مقدار آماره Z	اختلاف			تعداد	وضعیت الگوی مصرف مواد غذایی در دو دوره قبل و بعد از اسکان	R
			برابر	مثبت	منفی			
معناداری در سطح ۹۹٪	.۰۰۰	-۴/۸۵۴	۲۸	۸	۴۴	۸۰	گوشت قرمز	۱
عدم معناداری	.۰۵۲	-۱/۹۴۵	۴۸	۲۲	۱۰	۸۰	گوشت مرغ	۲
معناداری در سطح ۹۹٪	.۰۰۰	-۷/۰۹۱	۶	۶۸	۶	۸۰	برنج	۳
معناداری در سطح ۹۹٪	.۰۰۲	-۴/۶۶۷	۳۰	۴۲	۸	۸۰	سبزیجات	۴
معناداری در سطح ۹۹٪	.۰۰۰	-۷/۰۷۲	۲۸	۵۲	۰	۸۰	میوه جات	۵
معناداری در سطح ۹۹٪	.۰۰۰	-	۶۲	۱۸	۰	۸۰	شیرینیجات	۶
معناداری در سطح ۹۹٪	.۰۰۰	-۴/۹۰۳	۵۴	۰	۲۶	۸۰	لبنیات	۷
معناداری در سطح ۹۹٪	.۰۰۰	-۶/۴۸۲	۸	۶۴	۸	۸۰	مجموع مؤلفه‌های الگوی مصرف مواد غذایی	

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۳۹۱

جدول شماره‌ی ۸ که وضعیت الگوی مصرف مواد غذایی در دوره‌ی قبل و بعد از اسکان را نشان می‌دهد. بیانگر آن است که از بین ۷ مؤلفه‌ی مذکور در جدول مربوطه،



دو مؤلفه‌ی گوشت قرمز و لبنیات با توجه به اختلاف منفی بالا، روند کاهشی را نسبت به دوره‌ی قبل از اسکان داشته‌اند که البته این اختلاف به معیشت غالب و دامداری در زندگی کوچ نشینی برمی‌گردد، چراکه زندگی کوچ‌نشینی با دام و لبنیات حاصل از دام تامین می‌شده است. مؤلفه‌های گوشت مرغ، برنج، سبزیجات و میوه‌جات هم به دلیل زراعت و باغداری حاصل از اسکان و با توجه به مقدار اختلاف بالای مثبت، روند افزایشی را به دنبال داشته‌اند و باعث تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی شده است. همچنین جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که در دوره‌ی قبل از اسکان (در دوره‌ی کوچ نشینی) میزان مصرف شیرینی‌جات و میوه‌جات با توجه به مقدار اختلاف برابر با صفر، خیلی کم بوده است و همین باعث شده است تا اختلاف منفی به وجود نیاید. در کل به غیر از گوشت مرغ (با توجه به مقدار آماره بالا و مقدار sig بزرگتر از ۰/۰۵) مابقی مؤلفه‌ها در سطح ۹۹٪ معنادار بوده‌اند. به عبارتی دیگر طرح اسکان عشایر باعث ایجاد تحول در الگوی مصرف مواد غذایی جامعه نمونه‌ی تحقیق شده است. یعنی با یکجانشینی و دسترسی راحت‌تر به مواد غذایی الگوی مصرف مواد غذایی تغییر یافته و باعث ایجاد امنیت غذایی شده است.

جدول (۹): سنجش وضعیت اجتماعی جامعه‌ی نمونه‌ی تحقیق در دوره قبل و بعد از اسکان با استفاده از

#### آزمون ویلکاکسون

نتیجه فرضیات فرعی	sig	مقدار آماره Z	رتبه‌های			مؤلفه‌های اجتماعی	r
			برابر	مثبت	منفی		
معناداری در سطح ۹۹٪	۰/۰۰۱	-۳/۲۷۲	۶۹	۱۱	۰	سطح تحصیلات	۱
معناداری در سطح ۹۹٪	۰/۰۰۶	-۲/۷۶۵	۲۶	۵۲	۲	خدمات رفاهی	۲
معناداری در سطح ۹۹٪	۰/۰۰۰	-۳/۴۵۹	۱۶	۴	۶۰	تغییرات فرهنگی (پوشش و حجاب، گویش و ...)	۳
عدم معناداری	۰/۰۵۷	-۱/۹۰۶	۲۰	۱۶	۴۴	ناهنجاری‌ها و جرم (سرقت، درگیری، انحرافات اخلاقی و ...)	۴
معناداری در سطح	۰/۰۳۰	-۲/۱۷۴	۳۲	۳۶	۱۲	مشارکت‌ها (یدی، مالی،	۵

نتیجه فرضیات فرعی	sig	مقدار آماره Z	رتبه‌های			مؤلفه‌های اجتماعی	r
			برابر	مثبت	منفی		
%۹۵						مشورتی، سیاسی)	
عدم معناداری	۰/۰۵۲	-۱/۸۶۵	۴۸	۱۹	۱۳	وضعیت روحی / روانی	۶
معناداری در سطح %۹۵	۰/۰۲۴	-۲/۲۵۴	۲۸	۴۴	۸	امید به ادامه زندگی و آینده	۷
معناداری در سطح %۹۵	۰/۰۱۲	-۲/۵۰۶	۲۴	۴۸	۸	استفاده از امکانات و وسایل الکترونیکی	۸
معناداری در سطح %۹۹	۰/۰۰۰	-۳/۹۰۳	۵۴	۴	۲۲	نگرش‌های دینی مذهبی	۹
معناداری در سطح %۹۹	۰/۰۰۰	-۳/۸۵۴	۳۸	۸	۳۴	تعصبات قومی قبیله ای	۱۰
معناداری در سطح %۹۵	۰/۰۴۴	-۱/۹۷۵	۴۸	۱۲	۲۰	همبستگی خانوادگی و تعصب	۱۱
معناداری در سطح %۹۵	۰/۰۱۴	-۲/۶۵۴	۲۶	۴۹	۵	سلامت و بهداشت	۱۲
معناداری در سطح %۹۵	۰/۰۳۱	-۲/۱۷۰	۳۷	۱۸	۲۵	پیوندهای اجتماعی و خانوادگی	۱۳
معناداری در سطح %۹۹	۰/۰۰۰	-۳/۲۳۰	۲۰	۵۶	۴	امنیت اجتماعی	۱۴
معناداری در سطح %۹۵	۰/۰۱۱	-۲/۴۰۶	۲۶	۴۷	۷	روابط عمومی	۱۵
معناداری در سطح %۹۹	۰/۰۰۰	-۳/۷۸۹	۱۴	۵۹	۷	اعتماد به نفس	۱۶
معناداری در سطح %۹۵	۰/۰۳۸	-۲/۰۷۰	۳۴	۲۷	۱۹	مجموع مؤلفه‌های اجتماعی	

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۳۹۱

همان‌گونه که جدول شماره ۹ نشان می‌دهد از بین مؤلفه‌های اجتماعی مذکور در جدول، مؤلفه‌های استفاده از خدمات و امکانات و دسترسی به آن‌ها، امید به آینده، امنیت بهداشتی و سلامت، امنیت اجتماعی، روابط عمومی و اعتماد به نفس، با توجه به

مقدار آماره مثبت، روند افزایشی داشته‌اند یعنی اسکان عشایر زمینه‌ساز خوبی برای بهبود مؤلفه‌های یادشده بوده است. مؤلفه‌های ناهنجاری‌ها، نگرش‌های دینی و مذهبی، تعصبات و همبستگی‌های قومی و خانوادگی و آداب و رسوم بودند که تغییرات اساسی و منفی را به خود دیده‌اند. در کل مؤلفه‌های ۱۶ گانه‌ی اجتماعی این تحقیق در قالب مجموع مؤلفه‌های اجتماعی (با توجه مقدار sig برابر با ۰/۳۸ و میزان کمتر از سطح خطا ۰/۰۵) در سطح ۹۵٪ معنادار می‌باشد. یعنی دوره‌ی قبل و بعد از اسکان از نظر مؤلفه‌های اجتماعی حاضر، تفاوت معنادار بوده است.

جدول (۱۰): سنجش وضعیت عشایر اسکان یافته در خصوص تمایل به ادامه‌ی زندگی در سه حالت گذشته (کوچ‌نشینی)، حال (روستا)، آینده (مهاجرت به شهر) با استفاده از آزمون فریدمن

sig	مقدار آماره کای اسکوتر	میانگین رتبه‌ای	میانگین	مؤلفه‌ها
۰/۰۰۰	۶۹/۴۵۸	۲/۰۱	۳/۲۲	تمایل به برگشت زندگی کوچ‌نشینی
		۲/۵۶	۳/۵۹	تمایل به زندگی در محل کنونی (روستا)
		۲/۶۷	۶/۷۲	تمایل مهاجرت به شهر

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۳۹۱

جدول ۱۰ بیانگر این ادعاست که میل به مهاجرت به سکونت‌گاه‌های بزرگتر (شهر) نسبت به زندگی در روستا و بخصوص زندگی در حالت کوچ با انگیزه‌ی صعودی، در جهت توسعه و پیشرفت از طرف سرپرستان خانوار عشایر اسکان یافته، مواجه شده است. این مطلب را آزمون فریدمن (مقدار کای اسکوتر ۶۹/۴۲۸ و sig برابر با ۰/۰۰۰) در سطح ۹۹ درصد معنادار نشان داده‌است. در این تمایل، از طرفی فرزندان و همسران جوان‌تر خانواده تمایل زیادی به مهاجرت به شهر و افراد کهنسال تمایل به ماندگاری در محل اسکان اعلام کرده‌اند. هدف از این تمایل‌ها برای عشایر در وهله اول اسکان و سپس مهاجرت به شهر بوده، و در جهت افزایش کیفیت زندگی می‌باشد. بنابراین بررسی کیفیت زندگی نیز مطرح می‌گردد.

در این خصوص با توجه به مطالعاتی که در حوزه‌ی بررسی کیفیت زندگی صورت گرفته‌است، می‌توان عنوان نمود که انتخاب متغیرهای مناسب، مهم‌ترین مشکل

این گونه مطالعات بوده است (۱: ۲۰۰۵، EIU). و اینکه یکی از موانع به کارگیری مفهوم کیفیت زندگی، عملیاتی کردن آن می باشد (میشل، ۲۰۰۳: ۱۹).

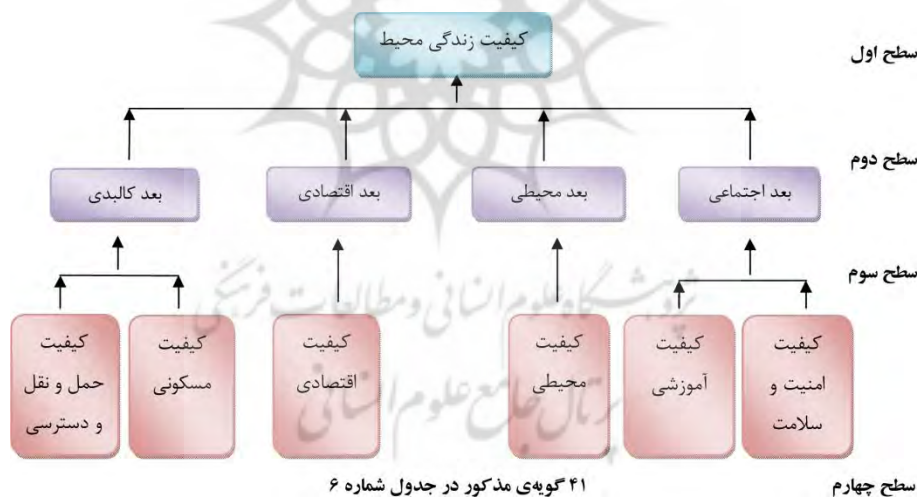
جدول (۱۱) گویه‌ها و تعداد آنان را برای سنجش هر یک از متغیرها و ابعاد کیفیت زندگی تحقیق حاضر را نشان می‌دهد.

جدول (۱۱): تعریف عملیاتی متغیرهای کیفیت زندگی عشایر اسکان یافته تحقیق

تعداد	گویه‌ها	متغیرها	ابعاد
۹	رضایت از شغل - رضایت از درآمد - رضایت از تنوع درآمدی و شغلی - امید به آینده شغلی - رضایت از سلامت جسمانی برای انجام فعالیت - رضایت از پس‌انداز - رضایت از سرمایه‌گذاری دولتی - رضایت از قدرت خرید - رضایت از دارایی و سرمایه	کیفیت اقتصادی	بعد اقتصادی
۱۰	رضایت از وضعیت آرامش نسبی محل سکونت - میزان روابط با همسایگان و رضایت از آن‌ها - رضایت از احساس امنیت فردی - رضایت از قابل اعتماد بودن مردم محل سکونت - رضایت از وضعیت حضور و دسترسی به آموآنس در مواقع اضطراری - رضایت از وضعیت حضور و دسترسی به پلیس در مواقع اضطراری - رضایت از وضعیت حضور و دسترسی به آتش‌نشانی در مواقع اضطراری - رضایت از دسترسی به داروخانه و بیمارستان - میزان امید به زندگی - رضایت از مصرف مواد غذایی پروتئینی	کیفیت امنیت و سلامت	بعد اجتماعی
۴	رضایت از کیفیت مراکز آموزشی - رضایت از دسترسی به مراکز آموزشی - رضایت از معلمان - رضایت از تجهیزات و امکانات آموزشی	کیفیت آموزش	
۷	رضایت از وضعیت بهداشتی محیط - رضایت از بهره‌مندی آب آشامیدنی سالم - رضایت از جمع‌آوری زباله و دفن آن - رضایت از وضعیت هوا - رضایت از وضعیت سر و صدا (صوتی) - رضایت از منظر محیط - رضایت از دفع فاضلاب	کیفیت محیطی	بعد محیطی
۶	رضایت از حمل و نقل عمومی - رضایت از فاصله زمانی برای دسترسی به خدمات - رضایت از دسترسی به جایگاه توزیع سوخت - رضایت از دسترسی به خدمات مالی و اعتباری - رضایت از دسترسی به مراکز خرید - رضایت از وضعیت معابر	کیفیت حمل و نقل و دسترسی‌ها	بعد کالبدی

تعداد	گویه‌ها	متغیرها	ابعاد
۵	رضایت از وجود تسهیلات و امکانات در مسکن - وجود نورگیری و روشنایی کافی در منازل - رضایت از کیفیت مسکن - رضایت از وضعیت چیدمان و منظر ابنیه - رضایت از وضعیت تراکم و سرانه‌ها	مسکن نور امنیت	
۴۱	کل		

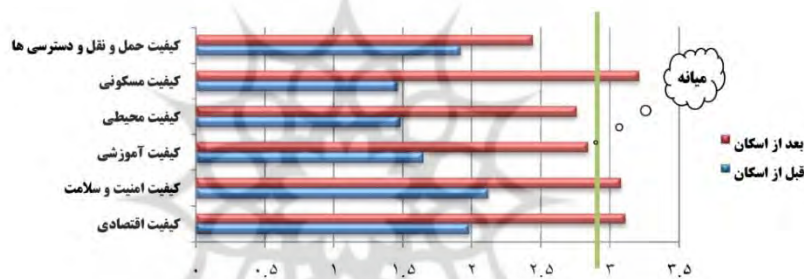
مدل تجربی سنجش کیفیت محیط سکونت موسوم به درخت ارزش ساختاری سلسله مراتبی دارد که در آن گویه‌ها و متغیرهای مؤثر در فرایند سنجش کیفیت محیط سکونت سطوح مختلف مدل را تشکیل می‌دهند. سازمان‌دهی متغیرها را می‌توان با استفاده از دو رویکرد بالا به پایین (تجزیه‌ای) و پایین به بالا (ترکیبی یا مشارکتی) انجام داد. مدل تحقیق حاضر بر اساس رویکرد مشارکتی (از پایین به بالا) بوده و بنابراین درخت ارزش کیفیت زندگی در چهار سطح شکل گرفته است که در شکل ۳ نشان داده شده است. مجموع گویه‌های مورد استفاده در این تحقیق ۴۱ گویه می‌باشد.



شکل (۳): مدل مفهومی کیفیت زندگی تحقیق

در خصوص میزان رضایت از شاخص‌های مربوط به متغیرهای شش‌گانه‌ی کیفیت زندگی، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بالاترین میزان رضایت در دوره‌ی بعد از اسکان

با ارزش میانگین ۳/۲۷ مربوط به متغیر کیفیت محیط مسکونی و کمترین میزان رضایت با ارزش میانگین ۲/۵۴ مربوط به متغیر کیفیت حمل و نقل و دسترسی‌ها می‌باشد. همچنین در دوره‌ی قبل از اسکان بیشترین و کمترین رضایت‌ها به ترتیب مربوط به متغیرهای کیفیت امنیت و سلامت با میانگین ۲/۱۲ و کیفیت محیط با میانگین ۱/۴۸ بوده است. با توجه به میانگین ارزش هر کدام از متغیرهای شش‌گانه‌ی تحقیق (در دوره‌ی قبل از اسکان) که عددی زیر میانه (میانه = ۳) را نشان می‌دهند می‌توان گفت که کیفیت زندگی در دوره کوچ‌نشینی وضعیت بسیار نامطلوبی داشته و در حال حاضر (دوره‌ی اسکان) به‌طور نسبی از وضعیت مناسب‌تری برخوردارند. با این حال عشاير از کیفیت زندگی‌شان ناراضی‌اند. شکل (۴) ارزش هر کدام از متغیرهای تحقیق (سطح سوم) را نشان می‌دهد.



شکل (۴): میانگین پاسخ‌های جامعه‌ی نمونه در خصوص متغیرهای کیفیت زندگی در دو دوره قبل و بعد از اسکان

به‌منظور به‌دست آوردن وضعیت رضایت‌مندی از کیفیت زندگی، از آزمون  $t$  تک نمونه‌ای استفاده شده است. در این آزمون برای سنجش میزان رضایت‌مندی از کیفیت زندگی، از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شده و به پاسخ‌ها رتبه‌های ۱ تا ۵ اختصاص داده شد. امتیاز ۱ نشان‌دهنده کمترین میزان رضایت‌مندی از سؤال مربوطه و امتیاز ۵ نشان‌دهنده بیشترین میزان رضایت است. به این ترتیب عدد ۳ به عنوان میانه‌ی نظری پاسخ‌ها در نظر گرفته شده و میانگین رضایت‌مندی به‌دست آمده با عدد ۳ مقایسه می‌شود.

جدول (۱۲) سنجش دیدگاه جامعه‌ی نمونه‌ی تحقیق از ابعاد و متغیرهای کیفیت زندگی در محل اسکان با استفاده از آزمون  $T$  تک نمونه‌ای

ابعاد	متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ارزش تست = ۳
-------	---------	---------	--------------	--------------

سطح خطا	آماره T				
۰/۰۰۰	۴/۴۴۶	۰/۳۷۹۶۶	۳/۱۱	کیفیت اقتصادی	اقتصادی
۰/۰۰۱	۳/۲۷۱	۰/۳۸۲۹۲	۳/۰۸	امنیت و سلامت	اجتماعی
۰/۰۰۱	-۳/۳۰۰	۰/۷۳۱۳۹	۲/۸۴	آموزش	
۰/۰۰۰	-۴/۴۹۳	۰/۸۱۲۹۷	۲/۷۶	کیفیت محیطی	محیطی
۰/۰۰۰	-۹/۸۵۴	۰/۸۶۷۲۰	۲/۴۴	حمل و نقل و دسترسی‌ها	کالبدی
۰/۰۰۰	۳/۴۷۹	۰/۹۵۶۱۶	۳/۲۱	محیط مسکونی	
۰/۰۴۱	-۲/۰۵۵	۰/۷۳۰۱۵	۲/۹۰	مجموع متغیرها	

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۳۹۱

همان‌طور که جدول (۱۲) نشان می‌دهد، میزان رضایت از کیفیت زندگی در دوره اسکان کمتر از متوسط (میان‌ه=۳) ارزیابی شده است. این بدان معناست که کیفیت زندگی در محیط مذکور از وضعیت نامطلوبی برخوردار است. با توجه به مقدار آماره T که همگی اعدادی بزرگتر از ۱/۹۶ (مقدار آماره سطح معناداری ۰/۹۵) نشان می‌دهند، و اینکه سطح خطا در همگی متغیرها کوچکتر از ۰/۰۵ است می‌توان گفت که ادعاهای مطرح شده در سطح ۰/۹۵ معنادار بوده و مورد تأیید قرار می‌گیرند. به عبارتی دیگر نتایج آزمون بیانگر آن است که میزان رضایتمندی در مجموع از میانه‌ی نظری رضایتمندی، کمتر ارزیابی شده و این میزان‌ها و میانگین‌ها با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارند.

یکی دیگر از اهداف این پژوهش، بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصی و خانوار بر روی میزان ادراک رضایتمندی از کیفیت زندگی است. زیرا کیفیت ذهنی زندگی افراد می‌تواند متأثر از فاکتورهای فردی، اجتماعی-اقتصادی و جمعیت‌شناختی باشد. در این راستا آنالیز واریانس یک طرفه می‌تواند برای مقایسه تغییرات کیفیت ذهنی زندگی پاسخگویان در طبقات مختلف به کار گرفته شود. این مسأله به تشخیص معناداری آماری تغییرات کیفیت ذهنی زندگی با خصوصیات شخصی، اجتماعی-اقتصادی و جمعیت‌شناختی پاسخگویان کمک می‌کند. زمانی از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه استفاده می‌شود که بیش از دو طبقه برای مقایسه وجود داشته باشد. در این راستا و به منظور آگاهی از وجود یا نبود تأثیر متغیرهای فردی بر میزان رضایت از کیفیت زندگی، از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. که نتایج آماری این آزمون در جدول (۱۳) ارائه شده است.

جدول (۱۳) تحلیل واریانس تفاوت متغیرهای خصوصیات فردی کیفیت زندگی

سطح خطا	F	میانگین مجذورات		جمع مجذورات		متغیرها
		بین گروهی	درون گروهی	بین گروهی	درون گروهی	
۰/۰۰۲	۴/۲۱۳	۲/۷۱۸	۰/۶۴۵	۱۰/۸۲۷	۲۴۰/۴۶۱	سطح سواد
۰/۰۰۰	۹/۹۵۱	۶/۰۶۳	۰/۶۰۹	۲۴/۲۵۲	۲۲۷/۲۶۲	سن
۰/۰۰۳	۴/۰۲۹	۲/۶۰۴	۰/۶۴۶	۱۰/۴۱۸	۲۴۱/۰۹۵	درآمد
۱/۰۲۷	۳/۰۸۷	۲/۰۲۶	۰/۶۵۶	۶/۰۷۸	۲۴۵/۴۳۵	بعد خانوار
۰/۱۳۹	۱/۹۸۱	۱/۳۱۵	۰/۶۶۴	۲/۶۳۰	۲۴۸/۸۸۴	شغل

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۳۹۱

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نشان می‌دهد که سطح تحصیلات، درآمد خانوار، بعد خانوار و سن به طور معناداری میزان رضایت‌مندی از کیفیت زندگی را در محل اسکان تحت تاثیر قرار می‌دهند. به عبارتی بین ویژگی‌های فردی پاسخگویان با برداشت آن‌ها از کیفیت زندگی به لحاظ آماری تفاوت وجود دارد. به طوری که مقدار آزمون F و سطح معناداری (سطح معناداری ۰/۹۵) برآورد شده قابل قبول است. حال که آزمون F معنادار است، لازم است تا جهت مقایسه ویژگی‌های فردی پاسخگویان با برداشت آن‌ها از کیفیت محیط زندگی از آزمون‌های شفه (scheffe) و L.S.D استفاده شود.

نتایج حاصل از آزمون‌های Scheffe و L.S.D نشان می‌دهد که افراد با بعد خانوار ۳ نفری (میانگین ۲/۹) نسبت به بعد خانوار بیشتر از ۵ نفر (میانگین ۲/۰۷)، بیسوادها (میانگین ۳/۰) نسبت به دیپلمه‌ها (۱/۸۶)، افراد با درآمد بالای ۳۰۰ هزار تومان (میانگین ۲/۲۶) نسبت به افراد با درآمد زیر ۲۰۰ هزار تومان (میانگین ۱/۵۹) و افراد میانسال (میانگین ۲/۳۶) نسبت به افراد کهنسال (میانگین ۱/۹۳) رضایت بیشتری از کیفیت زندگی داشته‌اند و با گروه‌های مذکور خود تفاوت معناداری در سطح اطمینان ۰/۹۵ را داشته‌اند. همچنین متغیرهای جنسیت (زنان و مردان) با توجه به اینکه از دو گروه تشکیل می‌شود امکان بهره‌مندی از آزمون واریانس وجود نداشت، از این رو از آزمون T مستقل استفاده شد.

جدول (۱۴) سنجش تفاوت میانگین مقوله‌ها در متغیر جنسیت با استفاده از آزمون T مستقل

متغیر	مقوله	فراوانی	میانگین	انحراف	اختلاف	مقدار	سطح
-------	-------	---------	---------	--------	--------	-------	-----



خطا	آماره T	میانگین	معیار				
۰/۲۶۰	-۱/۱۲۹	۰/۱۷۳۱۲-	۰/۸۲۴۵۱	۲/۳۲	۷۰	مرد	جنسیت
			۰/۷۵۹۷۷	۲/۴۹	۱۰	زن	

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۳۹۱

مطابق با جدول (۱۴)، آزمون نشان می‌دهد که در متغیر جنسیت بین میانگین نظرات دو گروه مردان و زنان در خصوص رضایتمندی از کیفیت زندگی تفاوت معناداری وجود ندارد.

همچنین برای بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای این تحقیق (به‌ویژه متغیرهای امنیتی) از آزمون‌های ضریب همبستگی استفاده شده است. ضریب همبستگی میزان همبستگی بین دو متغیر را محاسبه می‌کند که انواع مختلفی دارد. در این تحقیق برای تحلیل رابطه‌ی بین میزان رضایت از وضعیت امنیت با متغیرهای ویژگی‌های فردی (جنسیت، سطح سواد، شغل) که از نوع متغیرهای اسمی می‌باشند از همبستگی کرامرز، و با متغیرهایی همچون سن، میزان درآمد و بعد خانوار که از نوع متغیرهای کمی می‌باشند از همبستگی پیرسون، و با متغیرهایی همچون رضایت از کیفیت زندگی، وضعیت اعتماد، دسترسی‌ها به مراکز حیاتی/ امنیتی، کیفیت محیط مسکونی و ... که همگی از نوع متغیرهای رتبه‌ای می‌باشند از همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

جدول (۱۵) نتایج آزمون رابطه بین امنیت و دیگر متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی

نوع ارتباط	سطح خطا	ضریب همبستگی	نوع آزمون	فرضیه‌های فرعی
مستقیم و ضعیف	۰/۰۰۰	۰/۲۳۳**	کرامرز	ارتباط بین شغل و رضایت از وضعیت امنیت
عدم ارتباط	۰/۲۶۲	۰/۰۴۱	کرامرز	ارتباط بین سطح سواد و رضایت از وضعیت امنیت
مستقیم و ضعیف	۰/۰۰۱	۰/۱۹۲**	کرامرز	ارتباط بین جنسیت و رضایت از وضعیت امنیت
مستقیم و ضعیف	۰/۰۴۷	۰/۴۵۱*	پیرسون	ارتباط بین درآمد و رضایت از وضعیت امنیت
عدم رابطه	۰/۶۰۷	۰/۰۲۷-	پیرسون	ارتباط بین بعد خانوار و رضایت از وضعیت امنیت
عدم رابطه	۰/۲۹۳	۰/۰۵۴-	پیرسون	ارتباط بین سن و رضایت از وضعیت امنیت
مستقیم و ضعیف	۰/۰۴۴	۰/۱۰۴*	اسپیرمن	ارتباط بین وضعیت امنیت و رضایت از کیفیت زندگی

نوع ارتباط	سطح خطا	ضریب همبستگی	نوع آزمون	فرضیه‌های فرعی
مستقیم و قوی	۰/۰۴۴	۰/۵۲۹*	اسپیرمن	ارتباط بین وضعیت امنیت با اعتماد
مستقیم و قوی	۰/۰۱۱	۰/۷۶۰*	اسپیرمن	ارتباط بین وضعیت امنیت با رضایت از دسترسی به مراکز حیاتی در مواقع اضطراری (اورژانس، آتش‌نشانی، پلیس)
مستقیم و ضعیف	۰/۰۰۱	۰/۳۶۵**	اسپیرمن	ارتباط بین وضعیت امنیت با وضعیت سلامت و بهداشت
غیر مستقیم و قوی	۰/۰۱۲	-۰/۶۲۹*	اسپیرمن	ارتباط بین وضعیت امنیت با وضعیت ناهنجاری‌ها و جرم
عدم رابطه	۰/۴۵۵	۰/۰۳۹	اسپیرمن	ارتباط بین وضعیت امنیت با وضعیت مشارکت
عدم رابطه	۰/۱۴۴	۰/۰۷۵	اسپیرمن	ارتباط بین وضعیت امنیت با وضعیت امید به آینده
مستقیم و قوی	۰/۰۰۴	۰/۵۴۷**	اسپیرمن	ارتباط بین وضعیت امنیت با وضعیت کیفیت مسکن
غیر مستقیم و ضعیف	۰/۰۳۲	-۰/۲۶۹*	اسپیرمن	ارتباط بین وضعیت امنیت با تمایل به مهاجرت
غیر مستقیم و نسبتاً قوی (خنثی)	۰/۰۰۷	-۰/۵۰۱**	اسپیرمن	ارتباط بین وضعیت امنیت با وضعیت تغییرات فرهنگی

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه، ۱۳۹۱ معناداری در سطح ۹۹٪ = \*\* معناداری در سطح ۹۵٪ = \*

با استفاده از آزمون‌های همبستگی می‌توان گفت که بین رضایت از وضعیت امنیت محل اسکان با متغیرهای شغل، جنسیت، درآمد (از ویژگی‌ها و خصوصیات فردی) و کیفیت زندگی، اعتماد، دسترسی به مراکز حیاتی / امنیتی، کیفیت سلامت و بهداشت محیط، کیفیت محیط مسکونی (از متغیرهای اصلی تحقیق)، رابطه‌ی معناداری حاکم است و با توجه به اینکه مقدار ضریب همبستگی متغیرهای مذکور مثبت است، پس رابطه، رابطه‌ی مستقیم می‌باشد یعنی افزایش امنیت، افزایش متغیر مربوطه را در پی دارد و برعکس. همچنین با توجه به مقدار آماره منفی و مقدار sig کمتر از ۰۵٪ در سه متغیر ناهنجاری‌ها و جرم، تمایل به مهاجرت و تغییرات فرهنگی، رابطه غیر مستقیم معنادار در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود دارد، یعنی افزایش ناهنجاری‌ها، افزایش تمایل به مهاجرت و افزایش تغییرات فرهنگی باعث کاهش امنیت (نامنی) می‌شود.

همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عشایر اسکان یافته در دستیابی به اهداف اسکان موفقیت نسبی داشته‌اند اما همچنان با مشکلات زیادی دست به گریبانند.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاکی از آن است که در پی اسکان جامعه‌ی عشایری و تغییر شغل از دامداری به کشاورزی مختلط، تنوع شغلی ایجاد گشته و این تنوع شغلی به نوبه‌ی خود موجبات ایجاد امنیت اقتصادی را در جامعه‌ی نمونه‌ی تحقیق فراهم آورده است. همچنین دسترسی به امکانات و افزایش امنیت جانی و مالی موجب شده تا میزان رضایت از زندگی جامعه‌ی اسکان یافته افزایش یابد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در پی ایجاد اشتغال و تنوع آن و میزان درآمد عشایر اسکان یافته، وضعیت الگوی مصرف مواد غذایی آن‌ها نیز تغییر مثبتی یافته و زمینه‌سازی خوبی برای امنیت غذایی عشایر اسکان یافته شده است. از دیگر آثار اسکان، تغییر تولیدی و تغییرات شغلی است که تا حدودی امنیت اقتصادی را برای عشایران اسکان یافته در پی داشته است. در مقابل ایجاد اشتغال کاذب، نارضایتی از وضعیت دارایی‌ها و پس‌انداز و قدرت خرید، به دلیل وام و اقساط مربوطه، زمینه را برای برخی مشکلات اجتماعی، اقتصادی و در نهایت مشکلات امنیتی فراهم نموده است.

همچنین تحولات مکانی- فضایی (اسکان عشایران) باعث ایجاد تغییرات فرهنگی و سپس حذف تدریجی خرده‌فرهنگ‌ها (لباس و ...) شده است. به گونه‌ای که روابط با خویشاوندان شهری و نفوذ عناصر مدرن (شهرگرایی) به زندگی عشایر اسکان یافته، استفاده از وسایل الکترونیکی و ارتباط جمعی همچون رسانه (ماهواره و ...) به دلیل دسترسی راحت‌تر نسبت به دوره‌ی کوچ، باعث بروز رفتارهای نوگرایانه، تضعیف ارزش‌ها، بروز مشکلات روحی روانی برای جوانان، تغییر نگرش‌های مذهبی، معیشتی و فکری، نگرش‌های اختلاف‌زا، ایجاد گسست و تضعیف پیوندهای اجتماعی و عاطفی قبلی، کاهش نسبی همبستگی خانوادگی و تعصب و بروز برخی مشکلات زناشویی، کاهش روحیه همبستگی و همگرایی، افزایش انحرافات اخلاقی و اجتماعی و تأثیر بر سلامت و پویایی، و در نهایت تغییرات امنیتی و ایجاد انواع ناامنی‌ها (سیاسی، فرهنگی و اقتصادی) شده است. می‌توان گفت که اسکان عشایر به نوعی گذر زندگی از سنتی به

مدرنیته بود که این امر زمینه را برای آسیب‌های اجتماعی و حتی گسترش دامنه و چرخه آسیب‌های فرهنگی فراهم نموده و این امر به نوبه‌ی خود موجب تهدید نظام و امنیت گشته است. برابر یافته‌های تحقیق شاخص امنیت اجتماعی (اعتماد به نفس، آرامش روحی روانی، مشارکت، جرم و ناهنجاری) توسعه پیدا کرده و شاخص سرمایه‌ی اجتماعی (پیامدهای خانوادگی، سلامت و رفاه، بهره‌مندی از تسهیلات، مشارکت، درآمد، شبکه اجتماعی) عامل تقویت امنیت و سپس توسعه بوده، ولی اعتماد اجتماعی که تضمین کننده‌ی حقوق و منافع فردی و اجتماعی کاهش نسبی نشان داده‌است. یکی دیگر از پیامدهای اسکان محدوده‌ی مورد مطالعه تمایل به مهاجرت به شهر در پی شهرگرایی بوده است که در صورت عملی شدن این تمایل، ایجاد حاشیه نشینی در شهرها و شکل‌گیری فضای نابهنجار و ناامن از عواقب آن خواهد بود.

در نهایت می‌توان گفت که اثرات مثبت اسکان؛ ایجاد تنوع شغلی، امنیت شغلی، بهبود نسبی درآمد، امنیت غذایی، بهبود الگوی مصرف کالای بادوام، امید به زندگی، افزایش دسترسی به امکانات و خدمات، امنیت اجتماعی، امنیت بهداشتی و سلامت، امنیت جانی و مالی (متأثر از: کاهش جنایت و سرقت، کاهش بیماری‌ها و آلودگی‌ها، کاهش خطر حیوانات درنده و مخاطرات محیطی)، افزایش رضایت از کیفیت زندگی بوده و پیامدهای منفی طرح اسکان عشایر؛ تغییرات فرهنگی، افزایش برخی ناهنجاری‌ها، کاهش همبستگی اجتماعی و خانوادگی، تغییر نگرش‌های مذهبی و تمایل به مهاجرت به شهر می‌باشد. همچنین باید بپذیریم که: جامعه‌ی عشایری روز به روز به سمت جامعه روستایی سوق پیدا می‌کند و در آینده کوچ از بین خواهد رفت. که بایستی به این مهم توجهی ویژه داشت از طرفی در صورت اسکان باید برنامه‌ی همه جانبه‌ی تدوین شود تا آسیب‌های اقتصادی- اجتماعی به وجود نیاید.

### پیشنهادها:

- متنوع کردن اقتصاد عشایر در دوره‌ی بعد از اسکان در راستای ایجاد امنیت اقتصادی و غذایی (از طریق توسعه‌ی صنعت گردشگری و توسعه‌ی صنایع دستی و تولیدات عشایری در راستای کاهش بیکاری، مهاجرت و زنده نگه‌داشتن آداب و رسوم عشایری و همچنین احیای خرده فرهنگ‌ها).

- دادن آموزش‌های لازم به عشایر در خصوص کاهش عواقب بعد از اسکان (از طریق فرهنگ‌سازی یکجانشینی در راستای کاهش تنش‌ها و ناهنجاری‌ها و آسیب‌ها، به‌عبارتی دیگر ظرفیت‌سازی اجتماعی و اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی).
- توسعه امکانات و خدمات و بهبود دسترسی به آن‌ها در راستای افزایش کیفیت زندگی و دستیابی به امنیت و توسعه.



## منابع

- اکبری، علی و همکاران (۱۳۸۴). مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران. تهران: ناشر سازمان امور عشایر ایران، نقش بیان.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۳). زوال کوچ‌نشینی در ایران: یک‌جانشینی ایلات و عشایر. فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۱.
- رضوانی، محمدرضا؛ مسلم، دریکوند (۱۳۸۶). بررسی و ارزیابی کانون‌های ساماندهی و اسکان عشایر (آثار و پیامدها). مطالعه موردی کانون کمری شهرستان ازنا.
- صلاحی اصفهانی، گیتی (۱۳۹۰). چشم‌اندازی بر عشایر استان مرکزی. تهران: ناشر نیک خرد.
- صیدایی، سید اسکندر (۱۳۹۸). بررسی مسائل اساسی کانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی (نمونه موردی: بکان، گل افشان و قراب). شماره مقاله ۷۹۰.
- صفی نژاد، جواد (۱۳۶۸). عشایر مرکزی ایران. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- عبدالهی، محمد (۱۳۸۶). اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آن‌ها در ایران (مطالعه موردی: طایفه وریعلی نظر، استان گیلان). نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.
- غفاری، هیبت‌اله (۱۳۶۸). ساختارهای اجتماعی عشایر بویراحمد. تهران: نشر نی.
- کشاورز، هوشنگ؛ ناظم رضوی، سید علی (۱۳۵۵). عشایر و مسائل توسعه، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. بخش مطالعات عشایری، دانشگاه تهران.
- مهندسین مشاور (۱۳۹۰). بررسی مسائل و مشکلات جامعه عشایری استان مرکزی (با تأکید بر شهرستانهای ساوه و زرنديه).
- مهندسین مشاور جهاد تحقیقات آب و انرژی (۱۳۹۰). مطالعات تکمیلی امکان‌سنجی و ساماندهی عشایر ایل کله کوهی.
- نیک خلق، علی اکبر و همکاران (۱۳۸۳). زمینه جامعه‌شناسی عشایر ایران. تهران: انتشارات چاپخش.
- Economist Intelligence Unit (۲۰۰۵), Quality of Life Indexation.
- Michalos, A.C (۲۰۰۳), combining social, economic and environmental indicators to measure sustainable human wellbeing, Social Indicators Research.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی